



آنچه در این ستون می خوانید، دیدگاه های رسانه های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع رسانی منتشر می شود و این دیدگاه ها موضع روزنامه «هم میهن» نیست.

LOWY
INSTITUTE
FOR INTERNATIONAL POLICY

ریسک های همکاری ایران و کره شمالی برای آمریکا

کره شمالی پس از ماه ها توسعه روابط با روسیه، با اعزام هیئت دیپلماتیک به تهران و بررسی زمینه های بالقوه همکاری با ایران چشم انداز روابط خارجی خود را توسعه می دهد. با توجه به ادعاهایی که در مورد کمک ایران و کره شمالی به روسیه در جنگ اوکراین مطرح شده است، تقویت روابط میان پیونگ یانگ و تهران می تواند این محور سه جانبه نوظهور را تقویت کند. در عین حال، زرد و خوردهای تهاجمی اخیر ایران و اسرائیل و ظرفیت کره شمالی برای تشدید تنش با تحریک های نظامی اش در شبه جزیره کره، باعث این می شود تا تعمیق روابط میان ایران و کره شمالی چندین نتیجه غیرمطلوب برجا بگذارد. روز ۲۳ آوریل، هیئتی از وزارت روابط اقتصادی خارجی کره شمالی به ریاست یون جونگ هو به ایران سفر کرد. این سفر یک ماه بعد از سفر این مقام به روسیه انجام شد. کره شمالی و ایران از بدو برقراری روابط دیپلماتیک در سال ۱۹۷۳ با یکدیگر همکاری می کنند، اما نقطه عطف همکاری هایین سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ و صادرات تسلیحات کره شمالی به ایران در جریان جنگ ایران و عراق بود. در سال های پس از آن دو کشور در زمینه های نظامی و موضوع هسته ای به همکاری ادامه دادند. هر دو کشور در خصوص عمیق نسبت به آمریکا و قرار گرفتن تحت تحریم های شدید بین المللی با یکدیگر اشتراک دارند. در سال های اخیر روابط میان دو کشور بعد از اینکه آمریکا با خروج دونالد ترامپ از توافق هسته ای تحریم های هسته ای علیه ایران را مجدداً برقرار کرد، روابط دو کشور مجدداً افزایش پیدا کرده است. درست سه ماه بعد از خروج آمریکا از برجام، ری یونگ او، وزیر خارجه کره شمالی به تهران سفر کرد و دو کشور در خصوص استراتژی های مقابله با آمریکا و دور زدن تحریم ها با یکدیگر گفت و گو کردند. سپتامبر ۲۰۲۰ سفیر کره شمالی در ایران، هان سونگ او، بر ضرورت همبستگی میان دو کشور در مقابل فشار آمریکا و توسعه همکاری های اقتصادی، تجاری و فرهنگی تاکید کرد. هان اشاره کرد که همکاری با کشورهای ثالث هم در دستور کار دو کشور قرار دارد. معنای این صحبت ها این است که همکاری با روسیه هم امکان پذیر است. رسانه های کره شمالی از ایران در منازعه جاری در خاورمیانه حمایت می کنند. برای مثال روزنامه دولتی رودونگ سینمون ماه دسامبر در مقاله ای اقدام های ترویستی اسرائیل علیه ایران را به شدت محکوم کرد و آمریکا را به دلیل حمایت از اسرائیل مورد نکوهش قرار داد. سرویس امنیت ملی کره جنوبی مدعی شده است که حماس از سلاح های ساخت کره شمالی در جنگ با اسرائیل استفاده می کند. آکیوا تور، سفیر اسرائیل در کره جنوبی همین ادعا را تکرار کرده بود و گفته بود که ممکن است اینها سلاح هایی باشد که کره شمالی از مدت ها پیش به ایران داده است. سرویس سرویس اطلاعات کره جنوبی به تازگی تحقیقاتی را در مورد استفاده از فناوری های کره شمالی در موشک های که ایران به اسرائیل شلیک کرد، آغاز کرده است. علاوه بر این کره شمالی متهم شده است که به روسیه برای جنگ در اوکراین مهمات ارسال کرده و گزارش شده است که ایران هم گلوله توپ، پهپاد، مهمات و حتی موشک های بالستیک در اختیار روسیه قرار داده است. روسیه نیز با شتاب زیادی در زمینه های مختلف همکاری هایش را با کره شمالی در ماه های گذشته گسترش داده است. در حالی که پیونگ یانگ، تهران و مسکو، هر سه به صورت مستمر تحت فشارهای فزاینده آمریکا قرار دارند، احتمال تقویت همکاری های سه جانبه میان آنها بیشتر می شود. برای مثال ممکن است که ایران چیزهایی از کره شمالی در مورد ساخت بمب اتم بیاموزد. این مسئله در کنار ظرفیت ایران برای حمله مستقیم به اسرائیل، می تواند اهرم فشار دیپلماتیکی علیه آمریکا در اختیار ایران قرار دهد. مخاطرات تجمعی همکاری سه کشور می تواند یک سناریوی کابوس برای ایالات متحده باشد. متیومیلر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به تازگی گفته است که آمریکا «به شدت نگران» همکاری ایران و کره شمالی برای ساخت سلاح هسته ای و موشک های بالستیک است. کره شمالی هم از رابطه با ایران منفعت می برد، نخست اینکه ایران می تواند منبعی مضاعف برای فناوری های نظامی، علاوه بر روسیه باشد و دوم اینکه افزایش تجارت با ایران می تواند نیازهای انرژی کره شمالی را تأمین کند. اما بدترین سناریو برای ایالات متحده می تواند عملی شدن همکاری سه جانبه کره شمالی، روسیه و ایران به عنوان تهدید امنیتی گسترده از اروپا تا خاورمیانه و شرق آسیا باشد.

حامی دست و پا بسته

چین چه موضعی در قبال بحران خاورمیانه پیش از ۶ ماه پس از آغاز جنگ غزه داشت؟



شهاب شهبازی

خبرنگار گروه دیپلماسی

که به عنوان بزرگترین صادرکننده سلاح به منطقه خاورمیانه از درگیری های نظامی در منطقه هم منفعت می برد، چین چندین علاقه ای به درگیری و جنگ در خاورمیانه ندارد. هر چند در طول دهه های گذشته کشورهایی مانند عربستان سعودی بخشی از نیازهای تسلیحاتی خود را که نمی توانستند از آمریکا تأمین کنند، از جمله موشک های میان برد را از چین تأمین کرده اند، اما پکن فاصله زیادی تا تبدیل شدن به یک تأمین کننده مهم تسلیحات در خاورمیانه دارد.

۶ ماه جنگ غزه نشان داد که به رغم تلاش های چندین ساله چین برای تقویت جای پایش در خاورمیانه، هنوز اثرگذارترین قدرت خارجی در منطقه، واشنگتن است. واشنگتن در شش ماه گذشته فعالانه در زمینه حمایت از اسرائیل و تلاش های دیپلماتیک برای آتش بس فعال بوده است. هر چند آمریکا نتوانسته است به جز موضع حمایت بی قید و شرط از اسرائیل در اهداف اعلام شده دیگرش از جمله تلاش برای توقف درگیری و رسیدن کمک های بشردوستانه به فلسطینیان دستاورد زیادی داشته باشد، اما بیش از هر قدرت خارجی دیگری در مذاکرات دیپلماتیک منطقه ای نقش بازی کرده است.

حمایت کج دار و مریز از آرمان فلسطین

موضع حمایت چین از آرمان فلسطین، مسئله جدیدی نیست. دولت کمونیست چین در دهه ۱۹۶۰ میلادی یکی از حامیان جدی سازمان آزادی بخش فلسطین محسوب می شد و اسرائیل را مانند تایوان یک مفهوم بر ساخته از امپریالیسم توصیف می کرد. اما در دهه ۱۹۹۰ میلادی و ادغام هر چه بیشتر چین در اقتصاد جهانی و گرم شدن روابط چین با غرب، به تدریج موضع چین نسبت به مسئله فلسطین تغییر کرد و سال ۱۹۹۲ روابط رسمی دیپلماتیک با اسرائیل برقرار کرد. از آن زمان به تدریج موضع چین نسبت به مسئله فلسطین خنثی تر شده و هر چند پکن به پافشاری برای تشکیل کشور فلسطینی ادامه داد، اما به دلیل روابطش با اسرائیل و نگرانی از ایجاد مشکل در روابط با غرب، انتقادهای چین از اسرائیل نرم تر شد.

جنگ غزه برای چین و روسیه به عنوان قدرت های جهانی رقیب آمریکا به بهانه ای برای تسویه حساب های اخلاقی تبدیل شده است. پکن و مسکو در طول شش ماه ونیم گذشته بارها و بارها با قرار دادن آمریکا در موضع وتوی قطعنامه های درخواست آتش بس برای جنگ غزه، جایگاه اخلاقی آمریکا را به چالش کشیده اند. با این حال چینی ها به رغم ابراز تأسف از اقدام آمریکا در وتوی قطعنامه های درخواست آتش بس فوری یا قطعنامه پذیرش فلسطین در سازمان ملل متحد، از اظهار نظرهای تند ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی خودداری می کنند. پکن در شرایطی که به شدت از لحاظ اقتصادی، فناوری و ژئوپلیتیک تحت فشار آمریکا و متحدانش قرار دارد، نمی خواهد در مواجهه با مسئله فلسطین اقدام یا اظهار نظری انجام دهد که بر پیچیدگی های رابطه اش با غرب اضافه کند.

چهار محور سیاست چین

وانگ نی، وزیر خارجه چین، اخیراً در گفت و گویی با شبکه الجزیره چهار محور سیاست چین را در خصوص وضعیت غزه تشریح کرد. به گفته او نخستین اولویت، برقراری آتش بس فوری است. وانگ تاکید کرد: «نخستین چیزی که فوریت دارد برقراری آتش بس در اولین فرصت ممکن است. این موضوع از هر چیز دیگری مهم تر است. حتی یک روز تأخیر به معنای آسیب بیشتر به وجدان بشریت و تحلیل رفتن هر چه بیشتر بنیان عدالت است. به لطف تلاش های جدی همه طرف ها، شورای امنیت سازمان ملل متحد همین چندین پیش نخستین قطعنامه اش را از آغاز منازعه که مطالبه آتش بس در آن مطرح شده بود، تصویب کرد. این قطعنامه به لحاظ حقوقی الزام آور است و باید به صورت مؤثر اجرا شود تا به سرعت آتش بس بی قید و شرط و پایدار برقرار شود.» وزیر خارجه چین دومین مطالبه پکن را رسیدن کمک های بشردوستانه عنوان کرد. وی گفت: «مسئله دوم تضمین رسیدن بدون مانع کمک های بشردوستانه به صورت دائمی است که یک تعهد اخلاقی فوری محسوب می شود. چین مخالفت شدید خود را با کوچ اجباری شهروندان غیرنظامی فلسطینی و تنبیه جمعی مردم غزه از ابتدای منازعه اعلام کرده است. ما با جدیت از ایجاد سازوکار کمک های بشردوستانه حمایت کرده ایم و به صورت مستمر کمک های بشردوستانه را به غزه ارسال می کنیم. در ادامه مسیر چین به همکاری با جامعه بین المللی ادامه خواهد داد تا تمامی تلاش ها به اجرای قطعنامه آتش بس، حمایت از جان غیرنظامیان و ارسال سریع، ایمن، بدون مانع و پایدار کمک های بشردوستانه به غزه معطوف شود.» سومین مطالبه چین جلوگیری از گسترش جنگ در منطقه است. وانگ در مصاحبه با الجزیره تصریح کرد: «سومین مسئله این است که باید مانع از سرریز شدن منازعه شد. این یک ضرورت عملگرایانه است تا از خارج شدن وضعیت از کنترل جلوگیری شود. چین از همه طرف های خواهان آرام بماند و خویشتن داری کنند تا از تشدید بیشتر تنش اجتناب شود. چین با نگاهی عدالتخواهانه، فعالانه در راستای ترویج صلح و ثبات در خاورمیانه تلاش می کند و کمک می کند تا تنش ها کاهش یابد.» چهارمین مطالبه چین اجرای مؤثر راهکار دودولتی است. وانگ تاکید کرد: «چهارمین مسئله جبران کردن به موقع بی عدالتی تاریخی علیه مردم فلسطین است که راهکاری صحیح برای حل ریشه ای منازعه غزه است. مصیبت غزه بار دیگر نشان داد که انکار همیشگی حق مشروع ملت مردم فلسطین عامل اصلی مشکل فلسطین و در عین حال مسئله محوری در مشکل خاورمیانه است. تنها راه قطع کردن حلقه معیوب منازعه فلسطینی-اسرائیلی، از میان برداشتن زمینه رشد افراطی گری و نفرت و رسیدن به صلح پایدار در منطقه این است که عدالت برای فلسطینیان مجدداً برقرار شود، راهکار دودولتی به شکل مؤثر اجرایی شود و راهکار سیاسی برای نگرانی های مشروع امنیتی همه طرف های مرتبط به دست بیاید.»

فشار به پکن برای فشار به ایران

اواخر آبان ماه سال گذشته، کمتر از ۴۰ روز پس از آغاز جنگ غزه، جو بائین، رئیس جمهور آمریکا در دیدار چهارساعته اش با شی جین پینگ، رئیس جمهور چین در سانفرانسیسکو، از او خواست تا از نفوذ خود بر تهران برای اجتناب از تشدید تنش در خاورمیانه استفاده کند. براساس گزارش رویترز یک مقام ارشد آمریکایی در مورد این دیدار به رسانه ها گفت: «دو رهبر در مورد بحران جاری در خاورمیانه گفت و گو کردند و بایدن از چین خواست تا بر ایران اعلام نفوذ کند و از این کشور بخواهد که از گام هایی که ممکن است تحریک کننده به نظر برسد، اجتناب کند. مقام های چینی هم به طرف آمریکایی گفتند که در خصوص مخاطره های

مقام های ارشد دولت چین به شکل محتاطانه در مورد وضعیت جاری در خاورمیانه سخن می گویند. موضع چین عمدتاً با هدف به دست آوردن دل افکار عمومی جنوب جهانی با محور «عدالت برای فلسطینیان» و «ضرورت توقف فوری خشونت ها» بیان می شود اما در عین حال پکن تلاش می کند از اظهار نظرهایی که باعث آزردن دولتمردان اسرائیل و حامیان غربی اش شود، اجتناب کند. چینی ها به رغم سرمایه گذاری اقتصادی و سیاسی گسترده در خاورمیانه، هنوز نتوانسته اند خود را به عنوان یک قدرت اثرگذار در منطقه مطرح کنند. کشورهای عربی منطقه و اسرائیل همچنان خود را تحت الحمایه آمریکا می دانند و مسائل جاری را با مشورت نزدیک با آمریکا حل و فصل می کنند. ایران نیز به رغم دشمنی دیرینه با آمریکا، تلاش می کند که مسائلی را در منطقه خودش حل و فصل کند و از قدرت های خارجی حرف شنوی ناچیزی دارد. فرآیند موسوم به صلح اعراب و اسرائیل هم همچنان تحت سیطره آمریکا قرار دارد و به رغم تلاش ها و ابتکارهایی که از سوی قدرت های دیگر مطرح می شود، اعراب می دانند که تنها قدرتی که احتمال دارد بتواند بر سیاست های اسرائیل در قبال فلسطینیان اثرگذار باشد، آمریکا است. به همین دلیل چین فضای چندانی برای مداخله در مسائل جاری منطقه ندارد. ابتکارهای چین به دلیل فقدان اثرگذاری سیاسی پکن بر پایتخت های عربی و اسرائیل، کارایی چندانی ندارند.

چین در طول سالیان گذشته تلاش زیادی کرده است که جای پای خود را در خاورمیانه محکم تر کند و بتواند خود را به عنوان یک جایگزین قابل اعتماد برای آمریکا در خاورمیانه مطرح کند. اما شعله ور شدن جنگ در غزه برای همه کشورهای منطقه ثابت کرد که بر خلاف تصویری که وجود داشت، منطقه همچنان در بحران قرار دارد و تلاش کشورهای عربی برای فراموش کردن مسئله فلسطین و فرآیند توسعه پرشتاب اقتصادی امکان پذیر نیست. کشورهای عربی مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی با تصور اینکه دوران جنگ های منطقه تمام شده است، حساب بیشتری روی چین به عنوان شریکی برای توسعه اقتصادی و تجاری باز کرده بودند، اما بازگشت آتش جنگ به منطقه باعث شد که بار دیگر به یاد بیاورند که برای تأمین امنیت نیازمند چتر حمایت آمریکا هستند.

چین چه با ایران و چه با کشورهای عربی روابط خود را در طول سال های گذشته گسترش داده و تلاش کرده است با ابتکارهایی مانند میانجی گری برای آشتی ایران و عربستان سعودی به ثبات و آرامش در منطقه کمک کند. پکن معتقد است که منافع چین در منطقه در شرایط ثبات بیشتر تأمین می شود. بر خلاف آمریکا